

که چه آری ز لوله روان بود اصل اوله بدان اصل آن آب با نذر زریا که جز اوله انما نوزیرا
 من چو لولایت و قدره حق آب در سبب که گذر ز سبب نسیخه الراح الذي اختص
 سلیمان و فضل به علی غیره و جعله الله من الملك الذي لا حول من بعده هو
 سلیمان و فضلت و شرف است بان بر غیر خود که دانند است اودا فدای از ملک است بان نه بود در اصدرا از بعد آن
 نسیخه ارواح النامیه البقیه تكون نوع الجن كما قال الله تعالى خلق الجن من
 نسیخه ارواح نامیه است که می باشند نوع جن را چنانکه فرموده الله تعالی بعد از اودان
 ما رج من نار كما تهاى الارواح النامیه ارواح متصرفه فی اریاح ع
 زبان از نار زیرا که بر سببیکه آنها ای ارواح نامیه ارواح متصرفه اند در بابیکه
 کلا بدان لها قال الشيخ رضي الله عنه النسيخ من حيث هو نسيخ ليس يختص
 ما تها ابدان الارواح ما يرفع في روحه من غير ان يرفع من غير ان يرفع من غير ان يرفع
 سلیمان فان الله تعالى يقول في حقنا كلنا من غير خصيص بل حد منا و نسيخه
 سلیمان زیرا که بر سببیکه الله تعالی میفرماید در حق ما هم بدون تخصیص با هدی از ما و نسیخه
 ما فی السموات و ما فی الارض جميعا منه و قد ذکر نسیخه الراح و النجوم
 آنچه که در آسمانهاست و آنچه که در زمینهاست هم از او و نیز ذکر کرده فدای نسیخه الراح و النجوم
 و غیر ذلك و لیکن لا عن امر نابل عن امر الله فما اختص سلیمان ان
 و غیر آنرا و لیکن نه از امر ما بلکه از امر قدرت پرست مخصوص سلیمان که عقل
 الا کلام من غیر جمیعته و لا هت بل مجرد الامر و اما قلنا ذلك لاننا
 کلام از غیر جمیع است و نه هت بلکه مجرد امر و جز این نیست که گفتیم آن برای آنکه
 تعلم ان اجرام العالم تتفعل بهم النفوس اذا اقيمت في مقام الجمیع
 میدانیم که بر سببیکه اجرام عالم متفعل اند بهنهای نفوس هر گاه که قائم کرده نوزده و مقام جمیع

و قد عايناه ذلك في هذا الطريق فكان من سليمان مجرد التلطف بالامر لمن
 و گفتن معاینه کردیم آنرا در این طریق پس بود از سلیمان مجرد تملظ با امر برای کسیکه
 اراده نسیخه من غیر هت و لا جمیع برید رضی الله عنه ان النسيخ
 اراده کرد نسیخه اودا از غیر هت و نه جمیع اراده میباید رضی الله عنه که بر سببیکه نسیخه
 المختص سلیمان هو النسيخ مجرد امره لا بالهت و الجمیع و نسیط الوصم
 مختص است سلیمان آن نسیخه است مجرد امر او نه هت و جمیع و نسیط الوصم
 ولا باقسام العظام و اسماء الله الكرام و الظاهر انه كان له الا كما باسما
 و باقسام عظام و اسماء الله کرام و ظاهر است که بر سببیکه آن بود بر او
 الله تعالى و الكلمات الدامات و الاقسام فترقرن حتى بلغ الغاية و انما
 فدای تعالی و کلمات تامه او و باقسام عظام بستر عاده آنکه در سببیکه نسیخه
 له الخلائق و اطاعه الجن و الاشرار و الوحش و الطير و غیرها مجرد الامور
 اودا خلایق و اطاعت کرده اودا جن و انس و وحش و طیر و غیر آنها مجرد امر
 و التلطف بما برید منها من غیر جمیعته و لا نسیط الوصم و هت عطا
 و تملظ بچگونگی اراده که از آنها از غیر جمیع است و نه نسیط و هم هت برای
 من الله و هت و كان امره اذا اذ شئنا ان يقول لکن فيكون
 از فدای و شئش اودا تعالی هر گاه که اراده کرد او چیزی را آنکه گوید اودا نوبس میزند
 و نسیط ان يكون ذلك اختصا صاله من الله تعالى بذلك ابتداء
 و احتمال است آنکه باشد آن نسیخه برای شخص سلیمان از فدای تعالی بان نسیخه اودا
 قوله تعالى بغير حساب و معناه ليست لحيث قال سبحانه هذه اعطاف
 نزل اذ تعالی بفرح است
 آنکه که فرمود سبحانه این عطا است